

بیا آسماء کمک حالم

بیا آسماء کمک حالم، دَلَم دریایی از درده
بین خیرشگن امشب، چه زانویی بَغَل کرده

توو سینّه‌م کوهِ فَریادم، ولی به صبر مأمورم
نمیشه باورم دارم، تَنِ یاسَمِ رو می‌شورم

دارم دِق می‌کنم از غَم، نَبین اون قدر آرومم
بین آسماء چقدر سَرده، تَنِ زخمیِ خانومم

تَنِ زخمیِ خانومم، چه خاکی بَر سَرَم کرده
پَریز آبِ رَوانِ آسماء، به بازوی وَرَم کرده

پَریز آبِ رَوانِ آسماء، علی دل‌تنگ و بی‌تابه
تو هرچی آب می‌ریزی، بازم می‌ریزه خونابه

خدایا کاش می‌مُردَم، علی داره چی می‌بینه
حالا باید بفهمم که، چه زخمی داشت روو سینه

دیدي واسه چی بود وقتی، میشد بعضی شَبایِ هوش
چه جوری زندگی کرده، با این زخمِ رویِ پهلوش

سه ماه از من چه پنهون کرد، همه اُزردگی‌هاشو
نگاه‌گن زیرِ چشمِش رو، بین خون‌مُردگی‌هاشو

برای من سِپَر کرده، چه‌طور کُلِ وُجودش رو
بذار بیشتر بینم من، یه گم رویِ گبودش رو

داره میره ولی خونِش، هنوزم رویِ دیواره
داره میره نَگفت آخر، گُجا اُفتاده گوشواره

حَسَن جانم، حسینِ جانم، بیاید مادر داره میره
به دادِ من پَرِس زهرا، که زینب داره می‌میره

دوباره فاطمه جانم، خودت مُشکل رو حَلّ کردی
برای آخرین دَفعه، یتیماتو بَغَل کردی

حالا که بَعْد از این چند ماه، دوباره می‌بینم روتو
چطور دل بَگَنم آخه، بیارَم آه، تابوتو
